

کارکنندگان ایران
۸

۱۰ دیماه ۶۶ شماره ۲۷۴

سَعْد

| خارجه: خواندن، تکثیر کردن و پایه ای فرستادن
| بنا بر داخله: خواندن و تعمیق را کنار گذاشت.

2 BLOOR STREET
WEST 100/BOX 428
TORONTO, ONT.,
CANADA M4W 3E2

با دقت بخواهید و با وحدان بیدار قضاوت کنیده

وکیل ایران

سنگرهای شمره ۲۲۲ و ۲۲۳ ، به نجزیه و تحلیل پاره ای از وقایع سالهای ۲۴ و ۲۵ در رابطه با خودداری شوروی از تخلیه خاک ایران و همچنین اقدامات متقابل شاهنشاه و دولتها و وقت تخصیص بافت و گوششها شاهنشاه ایران برای خروج نیروهای خارجی از کشور درمه موربد بحث قرار گرفت .
فاز اول ، در سیان گوششها کی بودکه قبل از شکست المان صورت گرفت و فاز دوم ، ارائه تلاشها کی بودکه پس از شکست المان و قبل از پایان جنگ جهانی دوم انعام یافت و فاز سوم ، جدیتها و استادگی هائی بودکه به رهبری شاهنشاه ایران پس از اتمام مدت ۶ ماه مقرر در قرارداد زمانیه ۱۹۴۲ درسا - زمان ملل و شورای امنیت صورت گرفت .
در باب فاز سوم ، با اینکه رعایت اختصار گردید ، لکن سخن به آخر رسید و اکنون تقاضا دارد احرازه فریض مائید که بحث مطروحه تا حمول نتیجه تعقیب گردد .

عرض شدکه شکایت دولت شاهنشاهی ایران از دولت شوروی ، علیرغم مخالفت دولت قوام توسط اقای علاء سفیر شاهنشاهی ایران به شورای امنیت تسلیم گردید و با اینکه دولت قوام ، رسما - به اقای علاء دستور استرداد شکایت مذبور را داد ، معهد اسپیر شاهنشاهی به دستورات دولت قوام اعتراض نکرد و در رسیدگی به دادخواست ایران توسط شورای امنیت امور روزیده و در نتیجه این گوششها بودکه شورای امنیت سازمان ملل ، تاریخ ششم ماه مه را برای رسیدگی و اظهار نظر نسبت به شکایت ایران تعیین نموده .

موردي کا ملا استثنائي

به جرأت میتوان گفت که در طول عمر سازمان ملل و یا جامعه ملل و یا سایر جلسات بین المللی نمیتوان موردی را نظیر آنچه که در مورد دیگری بثکایت مذبور ایران از شوروی در شورای امنیت روی داده است یافت زیرا از نظر اصولی و حقوقی ، در شکایات تسلیمی به شورای امنیت و یا دادگاههای بین المللی ، شاکی قضیه ، دولتها هستند و نه بینندگان دولتها که تقدیم دادخواست و یا ادای توضیح میکنند ، در نقش و کل انجام وظیفه میندمایند و لامحاله نمیتوانند خلاف نظر دولت متبوع شان اتفاقی بینندگان دادگاه هم ایا شورای امنیت نیز نمیتوانند به شکایاتی که از سوی دولتها تائید نشود ترتیب اش بدهند .
اما ، بروشنه معلوم است که این اصل مسلم در مورد ایران بکار گرفته نشده است و چنانکه عرض شد ، وسایق و اسناد آن نیز ارائه گردید ، از یک طرف دولت ایران بریاست قوام السلطنه ، بشه نماینده ایران در سازمان ملل و شورای امنیت دستور کتبی میدهد که شکایت ایران را علیه شوروی مسترد یافید و رصفحه بدهد .

دارد و در مصاحبه با رسانه های گروهی داخلی و خارجی نیز نماینده ایران را متمم به خودسری و اقدام خودسرانه در شکایت از شوری مینماید و از سوی دیگر، سفیر ایران به تذکرات دولت اعضا شی نمیکند و همچنان در حقایق و امامت شکایت دولت علیه کشور شوروی پاسخاری مینماید.

این واقعه مهم و کاملاً استثنائی، و هشایر مطلب و موضوعات قابل توجهی است که با تحریمه و تحلیل کامل و توسل به استادومدارک وابسته میتوان به باره ای از آنها درست یافته، از جمله اینکه:

الف - انگیزه قوام از عدم طرح شکایت از دولت شوروی چه بوده است.

ب - اگر اقای غلام سفیر کبیر دولت شاهنشاهی ایران از دولت وقت دستور نمیگرفت از کی دستور نمیگرفت

ج - چرا شورای امنیت علیرغم تصمیم دولت ایران، به استرداد شکایت از دولت شوروی / شکایت ایران را از دستور خارج نساخت؟

الف - انگیزه قوام از استرداد شکایت ایران چه بود؟

با سخن به این سوال نمیتواند چنان حاصل نباشد که بحثی را در مقابله نشاید زیرا، اولاً استادومدارک مورد تحقیق با همه کوششی که بعمل آمده کامل نیست و برای ما میسر نگردد که عموم مدارک مورد نیاز راجع اوری نهایتی لهذا با تشرک از ایران بارانی که در این مسیر مارایاری داده اند، اظهار نظر، بر مبنای استاد در دسترس اشخاص میگیرد.

ثانیاً - قوام السلطنه در زمان حیات خود و بعد از ختم غائله پیشه وری، به مسئله مورد نظر اشاره ای نکرده است تا اظهارات او قرینه ای باشد برگم و گیف قضیه که احتمالاً بتوان بین نیت او و استرداد شکایت و ظاهراً قائل به جهات افتراق گردیده.

ثالثاً - بحث حاضر چنان مورد تحقیق محققین قرار نگرفته است تا دانه هایی که بتوانند همواری های قضیه را در این سازمان را کرد تا با بسط و تحلیل اینها به نظریه ای قطعی رسیده مسلک نظریه ای که تقدیم میشود مستند به اظهارات قوام السلطنه در زمان صدارت اوست و شاید بتوان با توجه به این مدارک، با سخن پوشش مطروحه را بدست اورده

اولین سند: مستخرجه از استاد دیپلمatic و وزارت خارجه امریکاست که سالنامه دیپلمatic انتشار آن مقدم گردیده است و در این سند آمده است:

قوام به سفیر امریکا اظهار داشته که چنانکه در استرداد شکایت ایران از دولت شوروی از مرجع شوروی امنیت اقدام قوی نشود، این امر موجب آردگی روسها گردیده، و ممکن است روسها قشون خود را از ایران حسب دستور شورا و در موقع معینه از ایران خارج سازند ولی اسلحه و تجهیزات را در دست از رسانیها باقی گذارند و اینها تقویت به مقاومت نمایند، در این وقت دولت تاکنزیرا از اعزام سپاهیان این آذربایجان خواهد شد و در نتیجه روسها میتوانند اعلام دارند که برای حفظ امنیت کشورشان دست بسته دخالت نظامی بزنند.

این نقل قول از قوام السلطنه نمیتواند پایه و اساسی برای حسن نیت قوام بشمارای دیوموجی شناخته شود که شکایت ایران از کشور شوروی از مرجع بین المللی شورای امنیت مسترد گردد زیرا:

۱- شورای امنیت و سازمان ملل، تنها مرجع تظلم و دادخواهی کشورها از تعاوون و تعدادیات کشورهاست و اگر قرار بگیرد که اجرای تصمیم شورای امنیت، سبب ناراحتی و لجاجت کشور مشتکی عنده گردد، آنهم تا حدی که کشور شاکی از بیم عکس العمل کشور مشتکی عهه از طرح شکایت خود استنکاف نماید

پس شورای امنیت و سازمان ملل به چه دردی میخورد

تصمیم جامعه ملل در اخراج شوروی بنا به شکایت فنلاند نشان داد که تصور قوام السلطنه اساسی نبوده است و زیرا کشور شوروی نتوانست به هیچگونه و اکنونی نسبت به رای جامعه ملل که بنفع فنلاند و علیه شوروی مادر شده بود مبارکه درست ننماید

۲- تجهیز شورشیان اذربایجان امری نبود که حمول ان متوقف بر تخلیه قشون شوروی از ایران باشد بلکه واقعیتی بود که قبل از آنکه مسئله شکایت ایران در شورای امنیت مطرح گردد و حتی قبل از آنکه تاریخ سررسید قرار رداد زانویه سال ۱۹۴۲ فراورسد، انجام گرفته بود و گزارشاتی که بدولت قوام میرسیده کایت از این داشت که متوجه سرین به سلاحهای روسی و سلاحهای ساخت المان که در اختیار بقیه در صفحه بعد

سنگر

۶۴ شماره ۲۲۴

صفحه ۴

ستگر = اشاره به قرارداد ۱۹۲۱ بمفهوم تائیدقرارداد مذبور نیست و این قرارداد بوجسد خارجی و حقوقی ندارد و تنها یک سابقه تاریخی است لاغیره (پایان)

دو مین سند: سندومی که درdest است، تلگراف شماره ۱۱۴۶ مورخ ۱۱ مارس ۱۹۴۶ والاس موری سفیر امریکا به وزارت خارجه کشور متبع خود میباشد (متن این تلگراف درستگر شماره ۲۷۳ صفحه ۱۲ مندرج است)

این تلگراف نشان میدهد که قوام السلطنه به اهمیت شکایت ایران و موضوع سازمان ملل و شورای امنیت اعضاشی نداشته است و این بی اعتنایی ویا عدم آگاهی نیز تاحدی بوده که نه تنها بر سفیر امریکا پوشیده نبوده بلکه موجب نگرانی سفیر شیز گردیده تا جایی که به همین منظور حضور شاهنشاه ایران شرقیاب میشود و موضوع را با عبارت زیرین میسازد

اطمینان حاصل نماینده قوام از اهمیت حیاتی موقعیت ایران مطلع گردد، چون از وضع قوام سطر میرسد که کاملاً راجع به سازمان ملل متحدون اردوشن نباشد

با توجه به اینکه سفیر امریکا در بیان مطلب حضور شاهنشاه رعایت نزدیک را مرعی داشته، و با اطمینان به اینکه قوام السلطنه کسی نبوده که از اهمیت مقام و موقعیت سازمان ملل و شورای امنیت و بیویژه علاقه امریکا به حمایت از شکایت ایران درشورای امنیت واقف نبوده باشد، با یادگفت، اظهار سفیر امریکا دائره اینکه "قوام راجع به ملل متحدون اردوشن نباشد" مفهومی جزئی اعضاشی ویا عدم علاقه قوام بطرح شکایت ایران درشورای امنیت نداشته است و سفیر میخواسته در همان عبارت مودبانه، منظور خود را بیان کرده باشد

سویین سند مذاکره محترمانه قوام السلطنه با والاس موری سفیر وقت امریکا در تاریخ ۲۲ و ۲۳ ماه مارس همان سال است که سفیر مذبور ملاحظات و مذاکرات خود را تلگرافی به وزارت متبع کشور خود چنین اعلام داشته است

من امروز صبح دو ساعت و نیم با نخست وزیر مذاکره کردم که از من خواستنیم معنا محترمانه باشد و عصاوه فکر قوام در طول مذاکرات چنین بوده اواز این وحشت داشت که چنانچه شورای امنیت، اتحاد جماهیر شوروی را توبیخ نماید و غصب نشینی سیاهیان شوروی را خواستار شود، روسها خشم خود را بر او فرخواهند و یخت و قوام معتقد است که هر مجلسی در اینده تشکیل شود، برای شوروی ها امتیاز نفت را تصویب خواهد گرد و دادن چنین امتیازی به شوروی ها غیر قابل اجتناب است قوام احساس میکند و شاهدهم درست باشکه دست آخر سایر مدعوی امتیاز نفت به شوروی داده شود

از تلگراف سفیر امریکا و مذاکراتش با قوام السلطنه این معلومات بدست میاید:

- قوام معتقد است که هر مجلسی در اینده تشکیل شود، نمیتواند از دادن امتیاز نفت شمال به شورویها اجتناب کند، یعنی در واقع نظر ملت را در رابطه با تقاضای امتیاز نفت شمال به سفیر امریکا القاء مینماید
- دستور قوام السلطنه درجهت استرداد شکایت ایران از شورای امنیت در رابطه با خطر مشی سیاسی اونبوده است بلکه ترس از انتقام شوروی ها بوده که او را وارد اراضی تا مانع رسیدگی شورای امنیت به شکایت ایران گردد و به عبارت دیگر، قوام السلطنه منافع ایران و ملت راقدای آرامش خواهی و امنیت شخصی خود میدانسته است

آیا میتوان گفت که قوام السلطنه از آنچه که بسفیر امریکا گفته است، قصدش اغوای سفیر بوده و نیت واقعی او جان نبوده که به سفیر امریکا اظهار کرده است؟؟

تموربراین است که با هر قدر خوبی و احتیاط به موضوع نگاه شود نتوان قبول کرد که قوام در اظهار انتقام نسبت به سفیر امریکا صدق نبوده است و سعی در کثمان نیت خود داشته زیرا دلیلی نمیتوان یافت که توجیه کننده چنین برداشتی باشد

مرعوب یا مجدوب

از ماحصل اسناد فوق الذکر، این نتیجه قابل برداشت است که اقدام قوام به استرداد شکایت ایران بقیه در صفحه بعد

علیه شورای ازشورای امنیت خارج ازدوجه نبوده است و یا بعلت مرجعیت و ترس ازانتقام شوروی بوده و یا مجدوب آن دولت گردیده و روابط خصوصی و قرار و مدارهای پنهانی، عاملی بوده که با تعذیب شکایت ایران درشورای امنیت منافات داشته است.

ب - آقای علاء ازکی دستور میگرفت؟

در بخشی که گذشت، معلوم شده اقا علاء نماینده ایران درشورای امنیت و سازمان ملل، در عین اینکه دولت قوام معتقد به طرح شکایت ایران علیه شورای درشورای امنیت نبود و حتی دستور استرداد آنرا صادر کرد، معهدآیشان بدون توجه بدستور دولت در طرح مسئله ایران درشورای امنیت پاسخهای نمود، لهذا، این مسئله بیش میاید که اقا علاء ازکی دستور میگرفت؟

با یاد بالصراحه گفت، اقا علاء نماینده ایران درشورای امنیت و سازمان ملل که در عین حال سفیر شاهنشاه نیز بودند محربی خواست و نظرات شاهنشاه ایران بودند و حسب امور شهائی که از معمول له دریافت میداشتند، عمل میگردند و اگر عمل ایشان موافق با برنامه و سیاست دولت قوام نبود، علت این شناقض مشهود، در اختلاف نظرین روشن قوام و سیاست صحیح شاهنشاه ایران قابل ملاحظه است. شاهنشاه اریا مهر در بیاناتشان اشاره ای به این مسئله که اقا علاء در جریان دفاع از حقوق ایران درشورای امنیت، و مخالفت با دستور دولت در استرداد شکایت از معمول له دستور و هدایت میگرفته اند، اشاره ای ننموده اند ولی آنها که در کتاب ما موربیت برای وطن فرموده اند:

"آقا علاء که اکنون وزیر در بیانات شاهنشاهی است و در آن زمان سفیر کبیر دولت شاهنشاهی در واشنگتن" و نماینده کشور ایران درشورای امنیت و سازمان ملل متحدد بود مصمم کشت که از دستور تخصیت وزیر "سرپیچی کرده و از خارج ساختن شکایت ایران از دستور شورای امنیت امتناع نماید و میدانست "که من شخصاً با خارج ساختن شکایت از دستور شورای امنیت موافق نبوده" و قوام هم در اشرف شار روسهای به این امر مبارزت کرده است. در اولین جلسه شورای امنیت که روز ۲۱ مارس تشکیل شد، اقا علاء شکایت ایران را بیانی شیوه اموثکه بطوریکه گفته اند از رشیق ترین بیاناتی "بوده است که ثبت تاریخ شورای امنیت شده طرح نموده"

میرساند که اقا علاء، به پشتیبانی و درجه خواست شاهنشاه ایران در تعذیب شکایت ایران اصرار میورزیده و راه مخالفت با دولت قوام را در استرداد شکایت اتخاذ ذکرده بود لا اقا علاء بصرف اینکه شخصاً هم موافق با نظر دولت نبود نمیتوانست یکه و تنها خلاف دستور دولت عمل کند، الا آنکه کتابه کیری نماید.

با توجه به اینکه شاهنشاه اریا مهر، از اقا علاء، بعنوان مردی و فاده اربه سلطنت و وطن پرسست یا دکرده اند، جای تردیدی نیست که اقدامات اقا علاء کاملاً مورد تائید و به پشتیبانی و بلکه با آموزش شاهنشاه ایران بوده است لاغر.

در تطبیق موضوع میتوان گفت: شاهنشاه ایران در نقش وکیل مدافع حقوق ملت و استقلال و تحریمیت ارضی کشور، راه رسیدن به پیروزی و مقود را طرح شکایت علیه شورای در دادگاه بین المللی (شورای امنیت) دانسته بود کارگذا رخد دستور تعذیب موضوع را دادند و قوام السلطنه نیز در عرض وکیل مدافع دیگر ملت، راه سازش و تسلیم در مقابل مت加وز را اختیار کرده بدهم ان کارگذا رشا نهاده ایران که در عین حال کارگذا ردولت هم بود دستور توقف اقدامات دادخواهی را داد و آینده نه چندان دور نشان داد که وکیل واقعی و مدافع حقیقی حقوق ملت و استقلال کشور کدام بودند.

چنین قماوتی که نسبت به قوام السلطنه در سازش با دشمن شد چندان دور از واقع نیست زیرا در یکی از ملاقاتهایی که بین او و "والاس موری" سفیر امریکا انجام گرفت سفیر در شکایف خود مینویسد: "قوام معتقد بود هنگامی که شخصی با شبردرنده سروکار دارد باید به او غذای بددهد و ارتو واژش کند" نهانکه چنگ و ناخن به ان نشان بددهد و بآور قاب کنده.

تیمسا رسائل کراخی در مقاله پراج و هشدار دهنده خود در کیهان موقوم داشته اند:

بقیه در صفحه بعد

"کسانی که مخالف پس گرفتن شکایت ایران از شورای امنیت بودندگران شدت‌دودر صدبرآمدند" با تصویب قانونی از مجلس، پس گرفتن شکایت را منع سازندولی قوام به مجلس پیشنهادی کرد و "مانع تشکیل جلسات علیه و خصوصی شده به این نظریه که او باش جزء توده را در اطراف مجلس و راه های ورود ورودیه آن مجتمع نمودها اینها با ضرب و جرح نمایندگان مانع ورود اینها به مجلس شدند و پاسبا نهای طبق دستورا و تماساگری تفاوت عمل اینها گشته و درنتیجه تا آخر عمر آن دوره مجلس، دیگر "جلسه ای تشکیل نشده قبل از پایان عمر دوره ۱۴ مجلس، تیمسار ارفع و چند تن از نمایندگان متنی " تهیه کردند که در آن ذکر شده بود" چون دولت حاضر بوسیله او باش مانع تشکیل جلسات مجلس شورای ملی است نمایندگان مجلس به نمایندگی ملت ایران ضمن محکوم کردن این رفتار دولت، پس گرفتن شکایت ایران از شورای امنیت را مدام که ارتضی شوروی در ایران است منع میکنیم و اقدام دولت را در این مورد فاقد ارزش قانونی میدانیم"

تیمسار بینقل قول از از تیمسار ارفع اضافه کرده اندکه ارسال این تصمیم نامه نمایندگان مجلس علیرغم مخالفت سفیر انگلستان، با اصرار او استدلال تیمسار ارفع بوسیله سفیر مذبور، به سفیر کبیر ایران در لندن ارسال وازنده نیز به اقای علاء رسیده

با یادگفت، تقریرات تیمسار سرلشکر حسن اخوی، خاصه نقل قول از تیمسار ارفع، (نقل قول مذبور خلاصه شده است برای ملاحظه جامع ان به کیهان ۷۷ صفحه ۱۴ مراجعت شود) برگی بسیار تازه از تاریخ سالهای ۲۴ و ۲۵ است که در یادداشتها و اسناد منتشره دیده نشده و یا ماندیده ایم و بهمین دلیل اجازه میخواهیم در نهایت احتراز شکرات و سپاس خود را بمناسبت این اگاهی بخشی که خود میتواند مبنای بحثی قرار گیرد به حضور تیمسار تقدیم داریم ۰

بهرتقدير — واقعیتی را که تیمسار بیان فرموده اندشانگر چند مورداست ۰
اول انکه — راهی را که شاهنشاه ایران در تعقیب شکایت ایران انتخاب فرمودند ۰، راه اصیالی سوده که گروهی از نمایندگان ملت نیز خواستار آن بوده اند

دوم انکه — تصمیم نامه وکلای مجلس، بعد از تصمیم دولت به استرداد شکایت و ابلاغ آن به اقای علاء، صورت گرفته است و این امر مویداً نست که اقای علاء، با فشاری در تعقیب شکایت علیه شوروی را بدعا عتبه را تصمیم نامه وکلای مجلس اتخاذ نکرده اند بلکه بنایه توصیه شاهنشاه ایران بوده است که راهی غیر از روشی که دولت قوام میخواسته بکار بسته است ۰

سوم انکه — تصمیماتی مه وکلای مجلس هیتوانسته نوعی دلگرمی برای اقای علاء و تائید افاده مات و نظرات شاهنشاه ایران در تعقیب شکایت ایران محسوب شود، نه عامل اصلی تعقیب ۰

چهارم انکه — اقدام قوام در پیشنهادی نسبت به مجلس و مماثلت در تشکیل جلسات مجلس خود دلیل دیگری است که قوام با طرح شکایت ایران در شورای امنیت مخالفت بوده است

اگر با انصاف و دیدتحقیقی به قضیه نگاه شود، جز این دیده نمیشود که تنها وکیلو افعی ایران در طرح شکایت ایران در شورای امنیت، شاهنشاه ایران بودنده البته نمیتوان وساید در جو نامساعدی که قوام السلطنه ایجا دکرده بود، قدر مخالفت وکلای محترم مجلس را ندانست ولی این قدردانی هما نقدر لازم است که قدرهای ناشناخته باشد ناشناخته و نسبت به آن باید ارجمند ارسوده

وقتی در تلگراف شماره ۱۱۴۶ مورخ ۱۱ مارس ۱۹۴۶ اقای والاس موری سفیر امریکا به واشگتن میخواست که سفیر مذبور از نگرانی شاهنشاه نسبت به استرداد شکایت ایران علیه شوروی از سوی دولت ایران صحبت میکند، وقتی،

درا وراق تاریخ میخوانیم که در موردا حوا رسپیر انگلستان به انتشار اسکناس برای تامین مخارج نظامی متفقین، وکلای مجلس بر طبق نظر شاهنشاه با لایحه دولت مخالفت کردند، وقتی،

به اسناد مدارکی برخورد میشود که عمل نگرانیها و تشویش شاهنشاه را از عدم خروج شوروی شوری نشان میدهد، آنوقت تردیدی باقی نمیماند که منشاء تمام کوششها برای تامین استقلال و حل مشکل ایران در این

بعده در صفحه بعد

سالهای ۲۴ و ۲۵ ، شاهنشاه ایران بودندکه مصراعقیده داشتندکه با یدبا توصل به شورای امنیت و سازمان ملل واستفاده از اعلامیه شهران وقرارداد ۱۹۴۲ شوروی را از ایران خراج و بتیره روزیها ملت پایان داده

نکته ۱) قابل توجه

نکته قابل توجه اینکه : چندماه قبل از اقدام قوام السلطنه به استردادشکایت ایران از شورای امنیت ، شاهنشاه ایران در ملاقات با سفیر امریکا ، از اقدام احتمالی دولت واینکه احتمالا قسوا م تحت فشار روسها شکایت ایران را مسترداره ابراز نگرفته اند (تلگراف سفیر امریکا بشماره ۱۱۲۶ مندرج در صفحه ۱۲ سنگر ۲۷۳)

این نکته دقیق خیلی حائز اهمیت است و گواهی موکبدبوراندیشی و احاطه شاهنشاه به موضوعات و گذرهای سیاسی و همچنین توجیهات عمیقی است که به مسئله ایران و تامین استقلال و خروج نیروی شوروی از ایران داشته اند

به ایرانم قسم که وقتی انسان در مقام تحقیق و جستجوی حقایق تاریخی سالهای ۲۴ و ۲۵ بر می آید و این روزنه های نه چندان اشکار را یکی بازمیکند و مواجه با دریائی از خدمت و هیمان شاهنشاه ایران برای حفظ استقلال و تامین سربلندی ایران میگردد نمیتوانند راجرا گشتن اشکها یعنی خودداری کندوبی اختیار چشمانتش پر از اشک میشود که او جهانگرد و کرد هایش چگونه مستور ماندوکسی انرا نگشود و اسها که میدانستند و میدانندکه او جهانگرد ، چگونه در قلب انها سعی و قضا و تهای بد میکنند این چنین قضا و تهای جا هلانه و یادشمنانه خیلی عجیب نیست این حقیر خودشا هدفعلنیت و کیلی بودم که بیش از ۵ سال روی یک برونده حنا کی کار کرده و سند دلیل جمع اوری نمودتا متهم (موکلش) را ترئه ساخت ولی موکل در باب این محاکمه گفت " موکل کاری نکرد فقط دوروز متولی حرف زد "

از آدمهای نادان چنین چهار و تهائی ممکن است ولی آنها که مدعی فضلاندو همه را می سواد میدانند - جرا آنهمه تلاشها و همت گران نمایه شاهنشاه ایران را که نه تنها عامل موثر ویگانه موجب نجات اذربایجان و بلکه کشورهای اسیا گردید ، بهیج میگیرند ؟ ایا حزد شمنی نام دیگری میتوان بر آن شهادت ۴۵

از شهادت تا وحشت

از مدارک و دلائل تقدیمی استنتاج شده یک وجه اوجوهی که قوام السلطنه از طرح شکایت علیه شوروی و تعقیب آن امتناع داشت ، ترس از انتقام شوروی بود اکنون این سوال مطرح میشود که ای شاهنشاه ایران درگ این وحشت و خطر انتقام را نمیگردند ؟

تصویر نمیشود که میتوان به این پاسخ منفی داد زیرا مقابله کشور ایران مغلوب وضعیت آن روزی با کشوری که فاتح جنگ جهانی دوم شاخته میشد تهیت و میتوانست ایجا دوخت و ترس ننماید ولی جان بازی و خدمت در راه میهن ، حکم بلا تردیدی دارد و این است که انسان / منافع کشور را بر منافع شخصی و حاجان و مال خود ترجیح دهد و خطر و ترس را در رسیدن به میتوان جیز شمارد و این طریق مسلم / همان راهی بوده است که شاهان پهلوی پیغمبر سوده و بدان اعتقاد داشته اند

فرزندم هرگز از هیچ چیز هراس نکن (رضا شاه کبیر)

پدرم در تمام نامهای خود را به شجاعت و شهادت و فدا کاری در دشواریها که در پیش داشتم تشویق و تحریص میگردد (شاهنشاه اریا مهر)

من شخصا ترجیح میدادم که شرافتمندانه در نبرد بخاطرا استقلال و تما میت آزادی کشور جان بسیارم تا اینکه پادشاه کشوری سرافکنده باشم (بحث ادبی و قابع اذربایجان ، شاهنشاه اریا مهر)

بارها گفته ام که حاضرم جانم را در راه ازادی ایران ماید بگذارم اگر بالاتر از این چیزی وجود دارد نمی دانم حاضرم به سراغ هر خطری بروم اعلیحضرت رضا شاه دوم

ج - چرا شورای امنیت شکایت ایران را درستور قرارداد ؟
بعده در صفحه بعد

سنگر

۱۰ دیماه ۱۴ شماره ۲۷۴

صفحه ۸

مسئله مورد بحث در حواشی این موضوع است که با انکه قوام السلطنه در سانه های گروهی خارجی و داخلی رسمای اعلام کردکه اقای علاوه بدون دستور دولت پیشکایت علیه شوروی مقدم گردیده واقعی علاوه ابتداء متهم ساخت، چرا سورای امنیت شکایت ایران را از دستور رسیدگی خارج ساخته ؟ به این موضوع از دونظر میتوان نگاه کرد و یا به عبارت بیشتر از دوجهت مورد بحث قرارداده یکی از نظر حقوقی و دیگر از نظر سیاسی ۰

جنبه حقوقی قضیه

از نظر حقوقی که بهتر است وقت قابلی صرف آن تشدود، موضوع در این چهار چوب است که با انکه اقای علاوه سمت نمایندگی دولت شاهنشاهی ایران را در سازمان ملل و شورای امنیت داشته و از نظر حقوقی / نظر روابطها را شناخت با یاد متنطبق با مولکیت یعنی دولت ایران باشد، اما سمت سفیری ایشان عالمی بوده که سورای امنیت مسئله نمایندگی اقای علاوه را تحت الشاع قرارداده و به ابلاغ دولت قوام به آقای علاوه دائریه استرداد شکایت توجهی ننموده و همچنان شکایت ایران را در دستور شورا باقی داشته ؟ پاسخ این برش بدون شک متفق است ه زیرا بر اساس منشور سازمان ملل و شرائط عضویت کشورها، شاکی و مسئلکی عنده، دولتها هستند که پادشاهان و روسای جمهوری کشورها و بالطبع کسانی نیز که طرح و شعوب شکایت میکنند نه وکیل دولت هاستند نه روسای کشورها ۰

پس از برآین از نظر حقوقی بدون اینکه خود را مقیدیه و روودحدی دران بحث بینیم باید گفت، علی الاصول، سورای امنیت نمیتوانسته در حالیکه قوام السلطنه نماینده ایران واقعیت به خودسری در طرح شکایت کرده، همچنان شکایت ایران را در دستور رسیدگی حفظ نماید، آنهم در حالیکه دولت شوروی مصرا تقاضای خروج شکایت ایران را از دستور شورای امنیت داشته است ه

ابنچا ممکن است این برش مطرح شود که چهار درحالیکه قوام السلطنه با طرح شکایت ایران در شورای امنیت مخالف بود و نماینده دولت به دستور دولت استرداد شکایت اعتنای نکرد، افدام به عزل نماینده دولت در سازمان ملل و شورای امنیت ننمود و شناختی مطیع موردنظر خود را به ان مقام نگارد پاسخ این مسئله را با یاد در صراحت اصل چهل و هشت متمم قانون اساسی از یکطرف و از سوی دیگر جبهه گیری خصمانه علیه شاهنشاه که حامل این عمل بود میتوان یافت ه

جنبه سیاسی قضیه علت انکه علیرغم دستور دولت قوام، همچنان شکایت ایران در دستور شورای امنیت قرار گرفت جنبه سیاسی آن بود که اکنون به تشریح آن پرداخته میشوده

قرارسیاسی محروم نه شاهنشاه

در سنگر شماره ۲۷۳ صفحه ۱۲ تلکرافی از سفیر امریکا رائے گردیده حاوی مذاکرات فیما بین شاهنشاه ایران و سفیر امریکا است که چون ان تلکراف مستند بیان مطلب است و ممکن است سنگر گذشته در اختیار خواسته نباشد، با ردیگریه اینجا اورده میشوده

دیروز کاخ شاهنشاه را بموضع ترک کردم تا در مراسم استقبال از قوام در رودش به فرودگاه ساعت ۱۲ و ۴۵ دقیقه شرکت جویم و استقبال بر شوری از طرف جمعیت بسیاری به عمل آمده بودوا و فوراً کاخ سلطنتی رفت تا کراش کارهارا به شاهنشاه عرض کنده چون از وضع قوام بنظر مرسیده کاملاً راجع به مجمع ملل متحده از دور و شورش نباشد من ترتیب شرفا باشی حضور شاهنشاه را امروز دادم و به عرض شاهنشاه رسانیدم که هیچگونه تغوه عدم توافقی در نهضت وزیر راندارم ولی مایلم که شاهنشاه اطمینان حاصل نماینده قوام از اهمیت جانی موقعیت ایران مطلع گردد

شاهنشاه نگرانی خود را در مورد شایعه امکان تسلط سریا بیخت و سیله شوروی و به دست اوردن کنترل دولت را ابراز داشته و خاطرنشان ساختند چنانچه این عمل رخ دهد شور و بهادر دستورهایی به علاوه دیگر که خواهند کرد که ایران را از نوسل والتحق، به مجمع ملل متحده رخواهند داشت و شاهنشاه بیشتر از این کردند که دریک چنین موقعیتی ممالک متحده امریکا و انگلستان لائق میتوانند به ابتکار خود بسیار اساس تعهدات خوبی عمل کرده و صدای احساسات ملت ایران را منعکس سازنده امضا (والاس موری)

در این تلکراف، عبارت این دیده میشود که روزیه ایران برای مشاهده حقایقی نه چندان آشکار بازمیسازد و این عبارت این است که، شاهنشاه ایران به سفیر امریکا پیشنهاد کرده اند که اگر ایران در موقعيتی

قرا رنگرفت که نا چارشودشکایت خود را از شورای امنیت مسترداد رد، امریکا و انگلستان حداقل به ابتکار خود برآسان تعهدات خود عمل کنند و صدای احساسات ملت ایران را منعکس سازنده در اسناد موردن تحقیق، ساقه ای بدبست نیا مده پاسخ امریکابه پیشنهاد شاهنشاه که مسلمابه اطلاع وزارت خارجه امریکا رسیده چه بوده است و لکن بیانات شاهنشاه اریا مهردرکتاب پاسخ بنا ریخ که فرموده اند.

"موج الرن سفیر امریکا که از دوستان ایران بود پیشیبانی کامل دولت ایالات متحده را از اقدام ایران بمن اطلاع داد ولی افزوده بخاطر ایران امریکا با شوروی وارد جنگ نخواهد شد" قرینه مارقه ایست که امریکابه پیشنهاد شاهنشاه در تعقیب موضوع ایران در شورای امنیت، در صورتی که ایران ناچار را ز استردادشکایت شود نظر موافق داده است. بنا بر این روش میشود که بطور اصولی، بک توافق کاملاً معلومی بین شاهنشاه و امریکا نسبت به حقانیت شکایت ایران و جانبداری امریکا از تعقیب آن شکایت در شورای امنیت بعمل آمده است و در دسته بندی سیاسی در شورای امنیت، امریکا خود را در کتاب ایران قرار خواهد داده عبارت دیگر، ایران در ددعوی علیه شوروی تنها بخواهد بودوا مریکا از سیاست تعقیب شکایت ایران در شورای امنیت جانبداری خواهد کرد.

و بر اساس همین تواافق بین شاهنشاه و امریکا بوده است که سفیر امریکا در تهران در تاریخ دوم فروردین سال ۲۵ به دولت اطلاع داد که اگر دولت ایران به شورای امنیت متول نشود، دولت امریکا موضوع را در شورای امنیت مطرح خواهد کرد ولی دولت ایران دیگر تبايد میدواریم که وهم راهی امریکا باشد. (کتاب آذر، آذربایجان تالیف اقامی سیاوش بشیری)

موافقت امریکا با پیشنهاد شاهنشاه ایران یک تباانی علیه شوروی و با معامله بین دو کشور نبوده است بلکه اعلامیه تهران امریکا و انگلستان را موظف میساخته که به تعهد خود عمل کنند و موجبات رفع تعدد شوروی را که نقض استقلال و تما میت ارضی ایران را در برداشت فراهم سازنده این موجبات هجز جانبداری از شکایت ایران در شورای امنیت چه مبنی است باشد در حالیکه میدانیم نه امریکا بلکه هیچ کشوری اماده جنگ دیگری نبوده؟

آنچه در پیشنهاد شاهنشاه ایران امده است "لاقل به ابتکار خود برآسان تعهدات عمل کنید" نشان میدهد که تقاضای شاهنشاه ایران هیچ اضافه خواهی نبوده بلکه یک توافق در اجرای چگونگی اجرای تعهدات مندرج در اعلامیه تهران بوده است.

اعلام سفیر امریکا به دولت قوام در اسناد دوکتب منتشره بگرات مورداستن اقدام قرا رنگرفته است اما تحریه و تحلیلی نسبت به آن صورت نگرفته تا با ربط به تلگراف شماره ۱۴۵۶ سفیر امریکا دانسته شود که جانبداری امریکا در قضیه شکایت ایران از شورای در شورای امنیت برآسان یک توافق و بلکه پیشنهاد شاهنشاه ایران بوده است و این واقعیت تاریخی چنانکه باید در کتاب از دیگر جزئیات این سالهادر انتظار قرار گرفته است. اثراین توافق و اقدام شاهنشاه ایران کوچک نبود چنانکه بعد از همین توافق سبب گردید که امریکا و انگلستان به جانبداری از شکایت ایران از شورای امنیت برخاستند و کار حمایت امریکا از ایران تا بدانحاکمیت رئیس جمهور امریکا "ترومن" بدولت شوروی التیمات تو می بروای تخلیه ایران داده.

چه بغا و حق است که به عمق هوشیاری و خدمت گرانقدر شاهنشاه در این گذر تاریخی بیانصاف بیشتری نگاه شود.

از تلگراف بالا مسئله دیگری نیز مستفاد میگردد و این این است که شاهنشاه میدانسته اند که علیرغم کوششها ئی که مینما بیندتا شکایت ایران در شورای امنیت مطرح گردد، دولت ایران به اعتبار موقعیت حقوقی خاصی که ناسازمان ملل و شورای امنیت دارد قادر خواهد بود که شکایت ایران را مسترداد رده بهمین لحظه و به منظور بیشکری از عوارض ناشیه از اقدام دولت، به سفیر امریکا پیشنهاد مینما بیند که در صورت اقدام دولت به استرداد شکایت، امریکا و انگلستان به ابتکار خود در شورای امنیت عمل کنند. بقیه د، صفحه بعد

نگاهی به سیرشکایت ایران درشورای امنیت

ملاحظه مسیرشکایت ایران درشورای امنیت بدان جهت حائز اهمیت است که در عین اینکه درنتیجه گیری این فصل موثر است خواندنگان محترم را نیز با نکته های نه جندان اشکار روبرو می سازد میدانید که تاریخ جلسه شورای امنیت برای رسیدگی به دادخواست ایران، ششم ماه مه تعیین شده بود و دولت شوروی ابدام ایل شود که موضوع این شکایت درشورای امنیت سازمان ملل مطرح گردد (دلائل آن درستگرها ۲۲۲ و ۲۷۳ امده است) .

دولت شوروی در تاریخ ششم ماه اوریل یعنی یک ماه قبل از تاریخ جلسه رسیدگی، نامه ای به شورای امنیت فرستاد مبنی بر اینکه :

"چون بموجب اعلامیه مشترک ایران و شوروی، دولتین مذبور در تما مسائل فیما بین توافق نظر حاصل کرده اند، دولت شوروی صرافتقاً مدارکه موضوع ایران از دستور رسیدگی شورای امنیت خارج گردد"

اقای علامه نوابنده دولت شاهنشاهی ایران در مورد عمل ارسال نامه مذبور از طرف شوروی چنین اظهار نظر کرده است:

"چون دولت شوروی دیدکه دنیا چشم به ایران دوخته و پرهمه مسلم شده است که دولت اتحاد حماه هیر شوروی که ادعای داشت همیشه به عهد و پیمان خود وفا میکنده و تعهدات بین المللی اهمیت شایان میدهد، موجباً تی فراهم ساخت که در مقابل افکار عالم دنیا خود را اشتریه سازد یعنی بهرنحوکه بود" دولت ایران را در مسائل فیما بین موافق کرده و صحت اقوال خود را ثابت نماید .

بدیهی است که نامه شوروی نعیت و انتست ملاک تضمیم گیری شورای امنیت گردزیرا نظر نماینده ایران نیز در تائیدویا رد موضوع لازم بوده

اقای علامه روز نهم اوریل نامه ای دریابخ ادعای نامه دولت شوروی به شورای امنیت نوشته و پس از دادعای دولت شوروی اعلام کرده :

"در نظر دولت ایران تغییری حاصل نشده است و ایران مایل است که دادخواست تقدیمی در دستور رسیدگی شورای امنیت همچنان باقی بماند"

ستگر = نامه اقای علامه نکتی محقق ایرانی میتواند باید بار بوسیله ایران درشورای امنیت به شوروی زده بی مورد نسبت که "را مش سنگوی" نویسنده و روزنامه نگار هندی در کتاب خود مینویسد:

شاهنشاه ایران با مقاومت موفقیت امیز خویش دربرابر برتری میلات توسعه طلبانه استالینی سهم موثری در از ادکردن ۷ سیاست انجام دادند و در حقیقت معظم له سدهای روانی و سیاسی گذشته را که مبتنی بر پذیرفتن بی چون وجرای دولتها قوی بودشکستند (کتاب رهبران قرن بیستم)

اقای علی شعبانی محقق ایرانی مینویسد:

نامه اقای علامه در محافل بین المللی حسن اثربخشید و معلوم داشت که کشور ایران در مقابل بیعت ایلی ها و نقض پیمان از طرف همیسایه قوی وزور مندی ما نهند و شوروی سرتسلیم خم نکرده و از حق خود دلبرانه و با قوت قلب دفاع میکنند"

نامه اقای علامه شفای دولت شوروی را بی اشراحت و تردیدی نبود که در جلسه اداری شورای امنیت که قرار گرفت ۱۵ اوریل برای رسیدگی به دادخواست شوروی تشکیل گردد تقاضای شوروی بعلت مخالفت نماینده ایران رد خواهد شد.

ولی در همین تاریخ بود که قوام السلطنه سرخلاف سیاست اتخاذ شده از سوی شاهنشاه و میهن پرستان ایران، ضمن تلکراف شماره ۴۰۲ به اقای علامه دستور داد که فیوراشکایت ایران را از شوروی مسترد داده این تلکراف در تاریخ ۱۵ اوریل یعنی همان روزی که شورای امنیت جلسه اداری سرای رسیدگی به

تقاضای شوروی داشت به اقای علامه رسیده دقیقاً معلوم نیست که این تلکراف در چه ساعتی ارزوی

۱۵ اوریل به آقای علاء رسیده استناد نتوان نسبت به عکس العمل آقای علاء در مقابل تمثیل تکرافی دولت قوام اظهارنظر کرد ولی بهر تقدير، تکراف قوام السلطنه که میتوانست تقاضای دولت شوروی را محق جلوه دهد و شورای امنیت، شکایت ایران را از دستور رسیدگی خارج سازد، بموضع به شورای امنیت رسید و درنتیجه شورای امنیت در حله مقدماتی خود تقاضای دولت شوروی را مردود داشت و از اعضای شورای امنیت تنها نماینده دولت شوروی ولهستان و فرانسه به نفع دولت شوروی رای موافق دادند.

ادامه جلسه شورای امنیت به فردای همان روز موکول شد، در حله فردا، واقعه‌ای رویداد که از نظر حقوقی قابل تأمل و بسیار بسیار بقه بوده است و آن اینکه: بینگام تشکیل جلسه شورای امنیت، دبیر شورای امنیت اعلام داشت که دبیرکل سازمان ملل نامه‌ای به شورای امنیت ارسال داشته که "چون دولت شوروی تقاضای خروج موضوع ایران را از دستور رسیدگی شورای امنیت نموده و از طرف دیگر، دولت ایران هم به نماینده خود دستور داده است که شکایت ایران را مسترد دارد لذا شورای امنیت با یدم موضوع شکایت ایران را خاصه یافته تلقی نماید" چنین دخالتی از سوی دبیرکل سازمان ملل در تصمیمی که شورای امنیت گرفته بود بکلی بسیار بقه و خلاف اصول مبنی نموده زیرا چونه ممکن بود تصمیمی که شورای امنیت اتخاذ کرده بنا بر تقاضای دبیرکل سازمان ملل منتفی گردد.

ظاهر تفصیله میرساند که قوام السلطنه میدانسته که آقای علاء به دستور اوداشر به استناد شکایت اعتنای نمیکند و بهمین لحاظ رونوشت تکرافی را که به آقای علاء مخابره کرده برای دبیرکل سازمان ملل هم فرستاده و دبیرکل سازمان ملل که بدلائی نمیخواست موضوع تجاوز شوروی مطرح شود، به دخالتی خارج از حد خود مبارزت نماید. ازانجاکه اقدام بسیار بقه دبیرکل سازمان ملل، بحث و نظرات حقوقی مختلفی را در بیان داشت، شورا ناچار گردید که مسئله را به منحصرين حقوقی در مسائل حقوق بین الملل ارجاع نماید. شورای حقوقی مذبور، پس از مطالعه در تاریخ ۱۸ اوریل با رددتظر دبیرکل سازمان ملل، رای شورای امنیت را صحیح دانست.

شورای امنیت بمنظور طرح نظریه شورای حقوقی و اتخاذ تصمیم در تاریخ ۲۳ اوریل بطور فوق العاده تشکیل جلسه داد و در این جلسه پس از طرح موضوع، تنها نماینده شوروی ولهستان و فرانسه به خروج شکایت ایران را از دستور رسیدگی شورای امنیت رای موافق دادند و درنتیجه شورای امنیت رای موافق در مقابل سه رای مخالف، شکایت ایران را همچنان زد و دستور رسیدگی ششم ماهمه باقی داشت.

پیروزی ایران و شکست شوروی

آنچه در جلسات شورای امنیت گذشت برگشتر شوروی دونکته را روشن ساخته. یکی اینکه کشورهای جهان عمل دولت شوروی را محاکوم کرده اند و تردیدی نیست که در تاریخ ششم ماهمه دوام انکه - شان دادکه تنها موافقتنمایه قوام السلطنه با استناد شکایت ایران کافی نیست، ایران

دارای صاحبی هوشیار و وطن پرست است که به اهمیت شکایت ایران و موقعیت سازمان ملل و شورای امنیت کاملاً اگاه است و قاطعه و بدون هیچگونه انعطاف پذیری میخواهد که از طریق شورای امنیت به تسلط شوروی بر ایران خاتمه دهد.

این بود شتها، دولت شوروی را بر این داشت که قبل از تاریخ ششم ماه مه به اجرای مفادقرارداد زانویه سال ۱۹۴۲ تن دهد و در اجرای این نیت در تاریخ ۲۸ اوریل، آقای گرومیکو نماینده شوروی در سازمان ملل در میان بیان بعثت و تعجب اعضا شورای امنیت اعلام کرد که در ظرف ۵ یا ۶ هفته تمام نیروهای نظامی خود را از ایران خارج خواهد ساخت. (عبارت ذهنی است)

این اعلام قطعی نماینده شوروی در شورای امنیت و سازمان ملل در حقیقت، همان رائی بود که شورای امنیت علیه انکشور صادر میکرد و به عبارت دیگر، تعهدی که شوروی در مقابل سازمان ملل و شورای بقیه در صفحه بعد

۱۰ دیماه ۶۴ شماره ۲۷۴

سنگر

صفحه ۱۲

امنیت در مورد تخلیه ایران داد، همان چیزی بود که ایران میخواسته زیرا بفرض اینکه شورای امنیت رای به محکومیت شوروی میداد چنان نبود که مدتی برای تخلیه ایران قائل شوده در تطبیق مورد میتوان گفت، قضیه درست بعین انسنست که خوانده ویا متهمی میفهمد که دادگاه بسیه محکومیتش رای خواهد داد و قبل از صدور رای اقرار به گناه میکند و یا مستعد میشود که دین خود را ببردارد بنابراین، آنها که میگویند "شوری خود بیشقدم در تخلیه ایران گردید" با یاده علل و سوابقی که شوروی را نا جاریه تمکین در مقابل شورای امنیت و شکایت ایران کرد توجه نمایند و در کنند که همت والی شاهنشاه ایران و همکاری صادقاً نه اقای علا و توافق شاهنشاه با امریکا در جهت حما نبداری از شکایت ایران در شورای امنیت، عامل شکست و ناامیدی شوروی در شورای امنیت گردید و ان کشور را ملزم ساخت که ایران را تخلیه نماید دور از وجود آن نیست که این مفاد داده شود که اگر اقای علا با اولین اخطار دولت قوام شکایت ایران را مسترد میداشت و تحت هدایت شاهنشاه ایران قرار نمیگرفت، چگونه ممکن بود نیروهای شوروی را از ایران خراج کرد و ای ایران، بصورت افغانستان امروزی در نصیحته ۴۴

هنوز شاهنشاه ایران راضی نبوده

گرچه شکایت ایران از شوروی بیهترین وجه ممکن بنتیجه رسیده بود ولی از نظر شاهنشاه ایران تنها خروج نیروی نظامی شوروی تا مین کننده حقوق ملت ایران واستقرار حاکمیت ایران نبود زیرا داشت نشاندگان دولت شوروی بنا مفرغه دمکرات مانع تعطیل حاکمیت دولت شاهنشاهی بر استان آذربایجان بودند با این جهت اقای علا به هدایت شاهنشاه ایران ضمن تکرار از شورای امنیت و اعلام اینکه دولت شوروی مستعد خود در خروج نیروها بیش از ایران عمل کرده است ضمن نامه ای در تاریخ ۲۱ اردیبهشت همان سال به شورای امنیت اعلام داشت

"در نتیجه مداخلات دولت شوروی بشرح مدارک و اسنادی که قبلاً به شورای امنیت تقدیم گردیده" "دولت ایران قادر به اجرای حق حاکمیت خود را ذربایجان نمیباشد و دخالت دولت شوروی در امور داخلی ایران عملاً پایان نیافته است و بنا براین ممکن نشده است در باب گزارشاتی مشعر بر" "اینکه سربازان شوروی بالیاس غیرنظامی در آذربایجان مانده اند و جهیزات نظامی در اختیار" "کسانی که حق حاکمیت و تمامیت کشور را مورد حمله قرار داده اند گذاشته شده تحقیقات بعمل آید" "ما داد که دولت نتواند اختیار را کامل خود را در آذربایجان احراک نماید میسر نیست تحقیقات مکفی" "بعمل اید و یا دولت ایران گزارش رضایت بخشی بدهد"

این کوشش مکمل شاهنشاه واقای علا نتوانست به نتیجه مثبتی بررسد زیرا دولت قوام با پیشه وری قراردادی تنظیم کرده بود که ان قرارداد بیهوده با اینجде که اقای علا به سازمان ملل و شورای امنیت اعلام کرده بود سازگار نبوده زیرا، اقای علا در حالی فرقه دمکرات را خائن و تجزیه گروه مانع اجرای حق حاکمیت ایران در آذربایجان میدانست که قوام السلطنه با تمامی تقاضاهای این متعارضین موافقت کرده بود و این دلیل مسئله ای نبود که قابل دفاع باشد"

جنابکه پیشه وری هنگام بازگشت از تهران در نطقی گفت:

"قوام السلطنه شخصاً حسن نیت دارد ولی انها بما گفتنده فرمانته کل قوا (شاهنشاه) به این کار رضایت ندارند"

نم شاهنشاه اریا مهرجا و دان و خدماتش عزیز و گرانقدر با دکه چون وکیلی سرخست و هوشیاره دفاع از ایران بروخاست و بپیروزی را تسبیب ایران ساخت و اگر پایداری و دلسوزی اونبود، اذربایجان از آن ایران نبود، وکیلی که موکلینش هرگز قدردان آن خدمات نبودند و در کنند خدمات اوراهم نکردند

این واقعیت را چوچیل نخست وزیر اگلستان در دیدی عمیق تر چنین گفته است:

"اگر پایداری شجاعانه شاه ایران در راس ملت ایران نبود، پیروزی حقیقی در جنگ جهانی دوم

"به اسانی بدست نمایم"